

ضرورت و چالش‌های اساسی در بومی سازی روان شناسی در کشور اسلامی ایران

دکتر باقر غباری بناب^۱

چکیده

علوم روانشناختی به عنوان یکی از شاخه های اصلی علوم انسانی در صورتی می تواند کارآیی خود را نشان دهد که بتواند با نظریه های فرهنگی و بومی به سوالات اساسی در رابطه با مسائل روانی مردم کشورمان پاسخ گوید و در رشد و ارتقای فرهنگی، معنوی و روانی مردم این مرزو بوم کارا و موثر باشد. مسائل روانشناختی مردم جدا از مسائل فرهنگی، وضعیت اقتصادی سیاسی، باورهای مذهبی آنان نمی تواند، مطالعه شود. متأسفانه با وجود اینکه از تأسیس رشته های روانشناسی و علوم وابسته در دانشگاه های ایران سالیان زیادی می گذرد، این رشته هنوز نتوانسته است کارایی خود را در حل مشکلات و معضلات فردی، اجتماعی، در کشورمان به نحو موثر نشان دهد. این امر ناشی از پیروی

۱. استادیار دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی

کورکورانه از تئوریه‌ها، الگوها و مدل‌های غربی در کشورمان بوده است. با عطف به پیشینه غنی کشورمان در عرفان و آموزه‌های وحیانی استخراج اصول نظری و کاربردهای عملی نظریه‌های روانشناختی از فرهنگ اصیل اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. این امر فقط زمانی امکان‌پذیر است که چالش‌های زیر را در مسائل نظری و متدولوژیکی، یک اندیشمند اصیل و یک روانشناس بومی در نظر بگیرد.

۱. چالش‌های نظری

بدون یک نظریه منسجم، فهم پدیده‌های روانی و اجتماعی در یک جامعه غیر ممکن به نظر می‌رسد. بسیاری از افرادی که در علوم انسانی کار کرده‌اند برای خود چهارچوبه مشخصی را در نظر گرفته‌اند. یک نظریه منسجم بومی در روانشناسی که بتواند در عین انسجام درونی به سوالات بیرونی و برخاسته از زندگی مردم کشورمان پاسخگو باشد لازم و ضروری است. پایه‌های اساسی نظریه روانشناسی بومی را می‌توان در آثار عرفا و اندیشمندان بزرگی چون غزالی، ملاصدرا، محلی‌الدین ابن عربی و آثار جلال‌الدین رومی یافت. داستانهای قرآنی پر از مفاهیم و فرآیندهای روانشناختی هستند که در صورت همت متخصصان این حیطه براحتی می‌توان از آنها در شکل دهی نظری این چهارچوبه مفهومی سود جست.

۲. چالش‌های تجربی

هر نظریه بالقوه‌ای که توسط اندیشمندان ساخته و پرداخته شود باید اولاً فرضیه‌های علمی را تولید کند که قابل آزمون و اندازه‌گیری هستند و در ثانی حدودی را برای تأیید پذیری و ابطال‌پذیری اصول و پایه‌های اساسی خود بیان نماید. در این جاست که یک نظریه روانشناختی دقیقاً خود را از یک نظریه فلسفی و عرفانی متمایز می‌سازد. چالش‌های تجربی روانشناسان کمتر از

چالش‌های نظری و فکری آنان کوشش و زمان نخواهد برد. به هر حال این امر تقویت‌های مخصوص خود را به همراه خواهد داشت. در چالش‌های تجربی، روانشناسان باید حداقل به سوالات اساسی زیر پاسخ دهند:

- (الف) تا چه اندازه نظریه‌های روانشناختی می‌توانند به تولید فرضیه‌های قابل آزمایش در مورد توصیف، پیش‌بینی و کنترل رفتارهای انسان بپردازند؟
- (ب) چگونه این فرضیه‌ها به پیش‌بینی‌های عملی و قابل تست تبدیل می‌گردند که متغیرهای آنها را می‌توان به صورت عملیاتی و دقیق توصیف و تعریف کرد.
- (ج) چگونه داده‌های به‌دست آمده از تست فرضیه‌ها و پیش‌بینی‌ها، به تقویت و یا اصلاح و رد نظریه کمک می‌کنند.
- (د) نظریه تا چه اندازه پاسخگوی مشکلات واقعی مردم کشورمان می‌باشد و به صورت کلی می‌تواند آنها را تبیین کند.
- (ه) تا چه اندازه نظریه در پیش‌بینی رفتارهای مردم موثر و کارا می‌باشد.
- (و) نظریه تا چه اندازه ویژگی‌های فرهنگی، شخصی و دینی افراد را بدون کاهشگری می‌تواند تبیین و پیش‌بینی نماید و رفتارهای مذهبی و معنوی آنان را ارتقا و بهبود بخشد.
- (ز) نظریه مورد بررسی تا چه اندازه با تئوریهای دیگر در حیطه علوم انسانی سازگار است.
- در اصل مقاله می‌شود تا هر کدام از این گزاره‌ها به تفصیل، بحث و بررسی شود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، روان‌شناسی، بومی‌سازی، ایران